



استخراج و شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی

در مکتب شهید سلیمانی

اسماعیل سعادت‌نژاد^۱، حسن امینی^۲ و هادی رنجبر^۳

چکیده:

هدف: یکی از ابعاد مکتب شهید سلیمانی، شناخت شخصیتی حاج قاسم سلیمانی و شناخت اعتقادات و روحیات معنوی او است. نباید چهره نهضتی، محوری و بین‌المللی حاج قاسم سلیمانی برتر از چهره الهی او قرار گیرد. او یک فرد مسلمان بود و در درجه بعد یک انسان قوی. او قوت خودش را از اسلام گرفته بود. این مقاله تلاش دارد تا شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی مکتبی شهید سلیمانی را استخراج نماید.

روش‌شناسی: همراهی افراد قرین شهید سلیمانی که توانایی مناسبی در روایت سردار از نقطه عزیمت این مقاله داشته‌اند، به پژوهش‌گران این اجازه را داد که از روایت پژوهی استفاده نمایند.

یافته‌ها: نشان‌دهنده این واقعیت است که وجود مقدماتی چون خانواده ایمانی، روزی حلال، انس با قرآن و اشک بر ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام در کنار سایر عوامل باعث شد، که سردار از نقطه خودسازی به دیگرسازی راه یابد و مراتب بندگی خدا را با مردم‌داری، ولایت‌مداری و تکلیف‌گرایی تعالی دهد.

نتایج: شهید سلیمانی دارای مکتبی است که در آن باید مسیر تعالی فردی (معنویت فردی)، تعالی اقربا (سلوک حسینی علیه‌السلام)، تعالی هم‌کیشان (الگوسازی برای جامعه) و نهایتاً تعالی مظلومان عالم (ایثار و عزم برای ریشه‌کنی ظلم) در عالم را پیمود.

واژگان کلیدی: قاسم سلیمانی، شاخص‌های فرهنگی، شاخص‌های اجتماعی، مکتب سلیمانی.

^۱استاد حوزه و دانشگاه و مشاور فرماندهی نیروی قدس سپاه

^۲عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام؛

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام؛



مقدمه:

یکی از والاترین مفاهیم در فرهنگ اسلامی و به ویژه تشیع، شهادت است. شهادت جایگاهی ارزشمند در میان مسلمانان دارد. شهید به کسی گفته می‌شود که با بذل جان خود در راه اسلام موجب از میان برداشتن فساد و تباهی و اعتلای حق می‌شود. شهید کسی است که موجب اعتلای روحی جامعه و افراد آن می‌شود. طبق زیارت اربعین (بَدَلٌ مُهَجَّتُهُ فِیْكَ لَیْسَتْ قَدَّ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةُ الضَّلَالَةِ)، امام حسین علیه‌السلام با بذل خون و جانش را در راه خدا، می‌خواست تا مردم را از جهالت و سرگردانی و گمراهی برهاند، مردم هدایت بشوند، بفهمند و عمل کنند^۱ «یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی است؛ که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر - یعنی حکومت یزید - است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگ‌تری است که نگاه دوم، انسان را به آن می‌رساند؛ و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است. در حقیقت، امام حسین اگرچه با یزید مبارزه می‌کند، اما مبارزه گسترده تاریخی وی با یزید کوتاه عمر بی‌ارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین با این‌ها مبارزه می‌کند.^۲» شهادت در جامعه جنبش و خروش ایجاد می‌کند و پویایی را به جامعه می‌بخشد. تکامل انسان هدفی والا در اسلام است که شهادت راهی پر محتوا برای نیل به آن است. تشخیص حق و باطل در دنیای پر از نفاق و شبهه امروزی، کاری بسیار دشوار است که گاه نیاز به تکانه‌های شدید دارد تا در و گوهرهای دریای حقیقت از تاریکی‌ها و ظلمت‌های دره باطل جدا شوند. شهید با انتخاب راه خود که بخشش جان در راه خدا است، این جداسازی میان حق و باطل را برعهده می‌گیرد و راه را برای جامعه روشن می‌سازد. در عالم هیچ دو نفری در مواجهه انسان با مرگ با هم بحث نکرده‌اند. مرگ حقیقتی است که تمامی بشر روزی با آن مواجه خواهد شد و گریزی از آن نیست. در

تهذیب الأحکام، جلد ۶، صفحه ۱۱۳؛ قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ «تَزُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ - السَّلَامَ عَلَى وَكَيْ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامَ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيِّهِ السَّلَامَ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ السَّلَامَ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامَ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ ابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبِوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اجْتِنِبْتَهُ بِطَيْبِ الْوَالِدَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعِزِّرْ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنِّحِ النُّصْحَ وَ بَدِّلْ مُهَجَّتَهُ فِیْكَ لَیْسَتْ قَدَّ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةُ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَارَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَسْحَطَ نَبِيَّكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِیْكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنَا وَبِيَلَا وَ عَذِّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا...»

^۱بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶

این میان، افرادی با انتخاب آگاهانه و با تفکر صحیح راه شهادت را برمی‌گزینند که این عمل هم برای خودشان سودمندترین کار است و هم پویایی و بالندگی جامعه را به دنبال خود می‌آورد (رضوانی، ۱۳۶۲).

«مرگ برای همه هست. ما اگر در راه خدا بمیریم، به حسب موازین مادی و ظاهری هم، چیزی از دست نداده‌ایم. مردن، سرنوشت اجتناب‌ناپذیر هر یک از ما است. این متاعی است که بالاخره از دست ما خواهد رفت؛ ولی این متاع جان به دوگونه از دست می‌رود: یکی این که آن را گم کنیم و دیگر این که آن را بفروشیم. کدام بهتر است؟ آن‌ها که در راه خدا کشته نمی‌شوند، جانشان را گم کرده‌اند و در مقابل، چیزی در دست ندارند. و آن‌ها که این متاع را در راه خدا می‌دهند و جانشان را در راه او مصرف می‌کنند، کسانی هستند که آن را فروخته‌اند و در عوض چیزی گرفته‌اند: «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة». شهادت، مرگ انسان‌های زیرک و هوشیار است که نمی‌گذارند این جان، مفت از دستشان برود و در مقابل، چیزی عایدشان نشود.»^۲

شهادت برگرفته از سلامت روح، شجاعت و انتخاب ذهن آگاهانه بشر است. شهادت به دنبال مقاومت جامعه می‌آید؛ زیرا ریشه در قدرت، استقامت، مبارزه با خیانت، وحدت و جستجوی آخرت دارد. این عوامل باعث افزایش پویایی جامعه و سازندگی آن می‌شود. هر جامعه‌ای که اعضایش شهادت طلب باشند، مورد رحمت خداوند متعال قرار خواهند گرفت و همیشه پیروز خواهند بود (بیرانوند، غیجی، & کریمی).

نگاه کردن به شهادت به عنوان اوج تعالی انسان، در گرو این است که فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی به گفتمان رایج بین مردم تبدیل شود. شهادت حاج قاسم سلیمانی توانست حرکت بسیار قوی در این عرصه ایجاد نماید. در ادامه به بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی برخاسته از این مکتب پرداخته می‌شود.

^۱سوره توبه، آیه ۱۱۱

^۲بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرزندان ممتاز شهدا، مسؤولان امور فرهنگی بنیاد شهید و جمعی از دانشجویان امامیه‌ی پاکستان،



مرور ادبیات نظری تحقیق:

در انتخاب فرهنگ و سنت‌های صحیح می‌توان از ارائه سبک مناسب استفاده کرد. این الگوها در بسیاری از فرهنگ‌های اسلامی یافت می‌شود. اسوه حالتی است که افراد هنگام پیروی از دیگران تجربه می‌کنند. مربی سعی می‌کند نمونه‌هایی از رفتارها و رفتارهای مطلوب را برای شاگردش فاش کند. اما وجود مربی باید الگوی خوبی برای متربی باشد. چهره‌های تاریخی می‌توانند به عنوان الگو عمل کنند. این الگوها در قرآن به کار رفته است:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^۱

معنای این آیه به این نکته اشاره دارد که برای مؤمنان بسیار نیکو است که از ابراهیم پیروی نمایند. توجه به رفتار خوب، به شما آموزش‌های مهمی می‌دهد و تمایل به تبدیل شدن به اسوه را در شما ایجاد می‌کند. همچنین این الگوگیری از اسوه، مفاهیم بلندی همچون ایثار، فداکاری، شهادت و... را در آدمی ایجاد می‌کند. بنابراین پس از ملاحظه خوبان و اسوه‌های حسنه همان معرفت در حقیقت اخذ می‌شود و زمینه‌های لازم آن در انسان به وجود می‌آید (مظلومی، ۱۳۶۶).

الگو یک فرایند یادگیری است که در آن فرد در نتیجه مشاهده رفتار فرد دیگر تغییرهایی در خود ایجاد می‌کند، که همراه با دیدن، شنیدن و خواندن درباره فرد الگو است. همیشه وجود الگوها و سرمشق‌های بزرگ در زندگی انسان‌ها وسیله مؤثرتری برای تربیت آنها بوده است (حسن زاده، ۱۳۹۲).

الگوگیری تنها به انسان‌ها محدود نمی‌شود و می‌توان از هر یک از محرک‌های محیطی فرآیند الگوگیری را آموخت. دانش‌آموزان با مشاهده الگویی که برای انجام برخی اقدام‌ها خود انتخاب کرده‌اند، پاسخ‌های جدید را می‌آموزند، یعنی با مشاهده و تقویت توانایی جایگزینی، رفتارهای جدیدی به دست می‌آورند. دیگر این که وقتی الگوی مشاهده شده به دلیل انجام عملی مجازات می‌شود، ناظر نمی‌تواند آن عمل را انجام دهد. بنابراین، مهار رفتار نیز ناشی از مجازات‌های پی در پی است. به علاوه، مشاهده الگویی که شامل فعالیت‌های ترسناک باشد می‌تواند ترس ناظر از آن فعالیت را کاهش دهد. کاهش ترس از دیدن یک کارفرما بدون رعایت مجازات در یک کار وحشتناک، بازدارندگی نامیده

^۱ سوره ممتحنه، آیه ۴

می‌شود. به علاوه، یک الگو می‌تواند پاسخی را که قبلاً آموخته شده و هیچ مانعی برای آن وجود ندارد، در نظر ایجاد کند. در این حالت، یادگیری مشاهده‌ای یا الگوسازی عملکرد، رفتار قبلاً آموخته شده را تسهیل می‌کند و بنابراین تسهیل نامیده می‌شود. ایجاد الگوها همچنین می‌تواند خلاقیت را در دانش آموزان تحریک کند. این امر با مشاهده الگوهایی که خلاقانه اعمال مختلفی را انجام می‌دهند یا در موقعیت‌های عادی به موقعیت‌های جدید و غیرمعمول پاسخ می‌دهند، امکان‌پذیر است. از اصول فوق برای ایجاد روش‌ها و تکنیک‌های تغییر رفتار و رفتاردرمانی استفاده شده است (Ingram, 1990). در این جا روش‌ها و تکنیک‌های تغییر رفتار و رفتاردرمانی مبتنی بر مدل را در دو دسته کلی روش ایجاد و افزایش رفتارهای مطلوب، و روش‌های کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب ارائه شده است (سیف، ۱۳۸۶).

فرهنگ ایثار و شهادت در سیستم آموزشی و تربیتی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین باید از روش‌های تربیتی اسلامی برای ایجاد، حفظ و انتقال این میراث فرهنگی استفاده شود. در حقیقت، از نظر روان‌شناختی شهادت‌طلبی را نمی‌توان با نیازهای سطح پایین توجیه کرد، مگر این که نیاز به خودشکوفایی باشد، که در بالاترین سطح نیازها است (Mathes, 1981). این موضوع به مسأله انگیزش نیز مربوط می‌شود (Deci, 2010). البته منظور از آن انگیزش درونی است که برخلاف انگیزش بیرونی، با پاداش و تنبیه قابل کنترل نیست، اما استفاده از روش‌های صحیح تربیت می‌تواند به گونه‌ای عمل کند که فرد با الهام‌های درونی بتواند این نیاز خود را برطرف نماید (شریف‌زاده، ۱۳۸۷).

در فرهنگ اسلامی اسوه‌هایی مانند امام حسین علیه‌السلام وجود دارد که این عشق را پرورش می‌دهند، خصوصاً اگر یک معلم دوست‌داشتنی رابطه محبت‌آمیز با شاگردش برقرار کند. در این حالت، انسان آماده فداکاری و از خودگذشتگی است. از گفته‌ها و نوشته‌های شهدا و ایثارگران مشخص می‌شود که آن‌ها برای چنین فداکاری‌هایی برای امام و رهبرشان آماده بودند. شهادت‌طلبی با استدلال‌ها و تحلیل‌های عقلانی و منفعت‌طلبانه دنیایی قابل بررسی نیست. بنابراین ضروری است که بر قلب تأثیر گذاشته شود و افراد مکتب عشق از لحاظ روحی تغذیه شوند و این افراد می‌توانند میراث گرانمای ایثار و شهادت را حفظ کنند. بدون شک دستیابی به این امر مستلزم داشتن یا دستیابی به یک سیستم آموزشی تخصصی است که بتواند با بهره‌گیری از زمینه‌های دینی و تاریخی، معلمان را در کسب هویت فرهنگی خود یاری کند. البته می‌توان با انتخاب برنامه‌ها، محتواهای درسی و مربیان راهنما، چنین

روش‌هایی را پیاده‌سازی کرد (سیف، ۱۳۸۶).

روش‌های مبتنی بر ابعاد شناختی (ایجاد بینش و بصیرت)

آنچه درون فرد است بر بیرون او تأثیرگذار است، پس مربی باید از رشد داخلی مربی در حین تربیت آگاه باشد. بنابراین با روش بینش و بصیرت‌افزایی می‌توان تحولی باطنی در فرد ایجاد کرد تا باعث رفتار و کردارهایی مانند ایثار و از خودگذشتگی شود. با بصیرت، درک معلم از چیزها تغییر می‌کند و این نوع تغییر رفتار لازم است. البته بصیرت به معنای نوعی آگاهی عمیق و فراگیر است که در رابطه با نظام هستی و حقیقت انسان و تاریخ و مرگ و پس از مرگ معنا را کاوش می‌کند (باقری، ۱۳۸۵). در قرآن، روش بصیرت‌پردازی مشخص شده است: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»^۱. با چنین دیدگاهی در پرداختن به مسائل انسانی و اجتماعی، چنین زمینه‌هایی ارائه می‌شود که در آن افراد آماده می‌شوند تا با آرزوی قلبی، خود را فدا کنند. به عنوان مثال، در تعلیم و تربیت اسلامی، درک خاصی از نظام هستی حاصل می‌شود، به طوری افراد در تمامی لحظات و مکان‌ها خداوند متعال را حاضر و ناظر دیده و او را صاحب اصلی عالم می‌بینند و برای همین خود را برای شهادت‌طلبی و ایثار در راه او آماده می‌کنند. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«عالم محضر خدا است، در محضر خدا معصیت نکنید»^۲

در مورد تاریخ، مربی قرآن را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که انسان در طول تاریخ شاهد درگیر شدن دو جبهه حق و باطل بوده است و بدون شک پیروان حقیقت در این تعارض پیروز می‌شوند. این موضوع پایه و اساس تغییرهای رفتاری در متریان است و با چنین دیدگاهی، استواری، صبر، ایثار، از خودگذشتگی و شجاعت در انسان به وجود می‌آید. در مورد مرگ، چشم‌انداز قرآن به وضوح نشان می‌دهد که مرگ یک پایان مبهم و وحشتناک زندگی نیست؛ بلکه یک آغاز شناخته شده و روشن است و آنچه تعیین‌کننده نوع مرگ است، نوع زندگی است. از نظر اسلام، هر کسی که می‌خواهد از ورطه

^۱ سوره انعام، آیه ۱۰۴؛ «به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که به دیده بصیرت بنگرد به سود خود او و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم»

^۲ صحیفه امام خمینی، ج ۱۳، ص ۴۶۱

مرگ بیهوده فرار کند، باید به زندگی خود معنی دهد، او باید مرگ را هدف خود قرار دهد. بنابراین، چنین بینشی رفتار انسان را به شدت تغییر می دهد. این جاست که روش دعوت به ایمان مطرح می شود. یعنی بر اساس این درک ها، حرکتی در تعیین هدف انسان ایجاد می شود و فرد را به حرکت در می آورد و او را برای تعهد آماده می کند. چنین مواردی در زندگی شهدا و ایثارگران اسلام به وضوح دیده می شود (شریف زاده، ۱۳۸۷).

روش های مبتنی بر تربیت اجتماعی

برای انتقال میراث فرهنگی به نسل بعد می بایست افراد را در بعد اجتماعی پرورش داد. از دیدگاه اسلام، تربیت اجتماعی مستلزم این است که فرد جایگاه خود را در زمینه سنت های اجتماعی، فرهنگ و روابط اجتماعی به دست آورد. اما سنت های اجتماعی و فرهنگی ترکیبی از روش ها و عادات و مفاهیم مختلف است که اعتبار همه آنها یکسان نیست، بنابراین تربیت اجتماعی نیاز به رویکرد انتخابی به سنت و فرهنگ دارد (ابراهیمی دهشیری، آهنجیان، غفاری، & مسعودی، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، معلمان باید در این مسیر به حمایت از سنت و فرهنگ اعتماد کنند و عناصری را انتخاب کنند که عادلانه تر و منصفانه تر از مجموعه سنت و فرهنگ باشد و فرد را در این زمینه و حوزه خود تحت تأثیر قرار دهد. این فقط به عمل معلم محدود نمی شود، بلکه معلم باید در زمینه آموزش اجتماعی فرصت هایی را برای روشن ساختن میراث سنتی و فرهنگی فراهم آورد (باقری، ۱۳۸۵).

پیرامون میراث گران بهای فرهنگی که از گذشتگان به ارث رسیده است، می بایست کمال استفاده و بهره را در مفاهیمی همچون گذشت و ایثار و شهادت فرا گرفته و در گسترش این فرهنگ گران بها سعی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای به فرزندشان، امام حسن علیه السلام، به ایشان این گونه یاد آور می شوند که در مواجهه با میراث و الگوهایی که از گذشتگان برجای مانده است با تأمل و تدبر برخورد کن و از تقلید چشم بسته دوری کن. می فرمایند: «و الاخذ بما مضی علیه الاولون من آباءک و الصالحون من اهل بیتک، فانهم لهم بدعوا ان نظروا لانفسهم کما انت ناظر، و فکروا کما انت مفکر ثم رد هم آخر ذلک الی الاخذ بما عرفوا و الامساک عما لم یکلفوا. فان ابت نفسک ان تقبل ذلک دون ان تعلم کما علموا فلیکن طلبک ذلک بتفهم و تعلم لا تبورط الشبهات و علق الخصومات^۱». به این معنا که «می بایست

^۱ نهج البلاغه، نامه ۳۱



پیشینیان را در کارهای نیکشان به عنوان اسوه و الگو قرار دهی، ایشان در کارهایشان با تأمل عمل می کرده‌اند و تو نیز همین شیوه را می‌بایست برگزینی و اگر سرانجام کاری نیکو بود، بدان عمل کنی. پس اگر می‌خواهی که خود به دنبال کشف حقایق بروی، سعی کن تا هر آن‌چه به دست می‌آوری از روی علم و فهم باشد و از افتادن در دام شبهات و بحث‌های بی‌جا پرهیز کن.»

روش‌های مبتنی بر ابعاد زیباشناسی

راهی درست برای تربیت دینی، افزایش شور و اشتیاق درونی افراد نسبت به مفاهیم دینی از جمله ایثار و شهادت است. اگر در این راه بخواهیم مفاهیم دینی را به صورت مستقیم ارائه دهیم، در تربیت دینی موفق نخواهیم بود. در واقع برای تربیت دینی می‌بایست از روش ایجاد علاقه در افراد استفاده کرد و نه انتقال مستقیم مطالب. مریبان می‌بایست شرایطی را فراهم نمایند تا تمایل فطری انسان‌ها نسبت به مفاهیم بلندی همچون ایثار و از خودگذشتگی نمایان شود و افراد خود به خود به سمت دین گرایش پیدا نمایند. در واقع این مفاهیم را بدون وجود تمایل و شور و اشتیاق از درون نمی‌توان به افراد منتقل کرد و انسان‌ها می‌بایست آن را از درون خود احساس کنند تا بدان عمل نمایند (کریمی، ۱۳۸۱).

در واقع، نمی‌توان شخصی را از طریق موعظه بدون ایجاد هیچ‌گونه تمایلی به آن کار، متمایل نمود. مریبی می‌تواند از طریق ایجاد جاذبه زیبایی‌شناختی در درون مرتبی این احساس را پرورش دهد و میل به مفاهیم مذهبی مانند ایثار و شهادت را القا کند. بنابراین می‌توان با توجه به تأثیر روش‌ها بر اساس بعد زیبایی، احساسات و عواطف انسان‌ها را هدایت کرد. زیبایی، عشق ایجاد می‌کند و عمل عاشقانه ایجاد شور و شوق می‌کند و برای انتقال این فرهنگ نیاز به افرادی است که برای درک این مفاهیم رشد یافته باشند (هاشم‌نژاد & نعمتی، ۱۳۹۱).

زیبایی، مانند عشق، یکی از مظاهر وجود است. از آن‌جا که کمال مطلق بودن از آن خدا است، کمال زیبایی نیز مربوط به خداوند است و هر جا که آثاری از عشق باشد، زیبایی آن جزئی از زیبایی خداوند است (افراسیاب پور، ۱۳۸۷). از بزرگان جملاتی وجود دارد که دربارهٔ عشق صحبت کرده‌اند. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خوشا به حال کسی که عبادت را معشوق خود بداند. با عبادت معانقه کند و او را با تمام وجود لمس کند»^۱. از طرف دیگر، قرآن از قلب به عنوان مرکز دانش

^۱ اصول کافی، جلد ۲، باب‌العباده، حدیث ۳



واقعی و مرکز عواطف انسانی، به ویژه عشق یاد می کند. بنابراین، عشق مسیر هویت واقعی است. عشق و قلب مهم ترین منابع دانش دینی محسوب می شوند (میری، ۱۳۹۲). در واقع، از نظر عرفا، تعالیم قرآن مانند جهان از ظاهر و باطن تشکیل شده است. جدا از جنبه معرفت شناختی عشق در حوزه مذهبی، عرفا نیز نقش آن را در تعامل انسان با امام و به طور کلی هستی نشان داده اند. این تعامل در الگوهای رفتاری انسان نمایان می شود. ایثار، عبادت و پرستش تبلور رفتار انسان در گفتگو با خدا است (شمشیری، ۱۳۸۴).

عشق واقعی، همان عشق به خداوند متعال است که در این رابطه عاشقانه تنها خداوند متعال دیده شود و به جز او همه چیز از میان برداشته شود. یکی از جنبه هایی که می شود بر متری تأثیر گذاشت، جهت دهی به عواطف و احساسات او است. اگر بتوان تمایل ها و گرایش های افراد را تحت تأثیر تعالیم دینی قرار داد، می توان به هدفشان نیز جهت دهی کرد. در حقیقت یکی از راه های ایجاد حس رابطه، آن است که در فرد رغبت به وجود بیاید و این تنها از طریق ایجاد حس زیبایی در افراد ایجاد می شود. یکی از راه های ایجاد جاذبه، کلمات و مفاهیم هستند و هر مقدار این مفاهیم آغشته به شفافیت و صفای بیش تری باشند، عمق نفوذ بیش تری را در افراد ایجاد خواهد کرد. معجزه بودن قرآن را می توان در کلمات و آیات آن مشاهده نمود که چه زیبا مفاهیم بلندی همچون ایثار و شهادت را در قالب کلمات تزیین می کند و جاذبه ایجاد می کند که احساسات متریان برای رشد تفکر آماده می شود. برای انتقال مؤثر و دائمی مفاهیم ایثار و شهادت در محیط های تربیتی باید از روش های زیبایی شناسانه استفاده نمود. برای پایداری هر اثر می بایست جاذبه های هنری و زیبایی شناختی مناسبی برایشان فراهم شود تا ماندگاری بیش تری پیدا کنند. البته زیبایی تنها در ظاهر پیام و بیرون از ذهن متری مطرح نمی شود بلکه حس زیباشناسی، تعامل دو جانبه بین مربی و متری در قالب کنش روانی - عاطفی است که منجر به زایش زیبایی می گردد (باقری، ۱۳۸۵).

در اصل، یکی از نیازهای طبیعی انسان میل زیبایی است. در انسان گرایش به زیبایی وجود دارد، خواه به مفهوم «دوستی زیبایی شناختی» باشد یا به معنای «زیبایی سازی» که به آن هنر می گویند (مطهری، ۱۳۷۳).

در این روش، مربی پیام تربیتی را از دنیای واقعی و عوامل بیرونی ارائه می دهد و متری با تأثیر خود واقعیت داخلی را درک می کند و این تماس فقط با قدرت اشتیاق درونی دریافت می شود. تمایل به



دستیابی به واقعیت خارجی به منظور بازیابی و بازآفرینی واقعیت درونی، فرایند یادگیری فعال را نشان می‌دهد (کریمی، ۱۳۸۱).

در دین اسلام به عناصر زیباشناسی اشاره شده است. اساساً آفرینش از نظر قرآن کریم با جمال و زیبایی آمیخته است. «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۱ یعنی «در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام‌یک از ایشان نیکوکارترند» و در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»^۲. یعنی «ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم».

تشویق برای کار زیبا بارها در قرآن کریم ذکر شده است. حتی زیباترین و معنوی‌ترین معانی را می‌توان از ساده‌ترین پدیده‌ها استخراج کرد؛ چه رسد به وقایع و حوادثی که در خود زیبایی و خلوص زیبایی دارند. مانند مفاهیم ایثار، شهادت، ایمان و پاکی. همه این مفاهیم نشان‌دهنده نقش اصلی زیبایی و عنصر زیبایی در دین و تعلیم و تربیت کلامی است؛ زیرا انسان از طریق زیبایی روحی است که به معنویت و ارزش‌های دینی راه می‌یابد (Hodges, 2002). افراد تحت تأثیر زیبایی‌ها قرار می‌گیرند و در چنین شرایطی بهترین فرصت برای «تربیت دینی» و «تربیت افراد ایثارگر» حاصل می‌شود. سعادت در زیبایی و زیبایی در سعادت معنوی وجود دارد و این دو عشق و جذابیت و میل درونی است که در طبیعت نهفته است. «جذابیت» یک جوشش داخلی ایجاد می‌کند. بنابراین، معلم ذهنی باید کودک و نوجوان را آماده کند و با نرم کردن درونی او و تحریک احساسات او کار کند تا قلب او بدون هیچ‌گونه الزام مصنوعی در منطقه جذب پیام باشد؛ زیرا در صورت پذیرش پیام اگر زمینه‌سازی اولیه انجام نشود، تمام تلاش‌ها و اقدام‌های تربیتی بی‌نتیجه خواهد ماند (کریمی، ۱۳۸۱).

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روایت‌پژوهی است. روایت‌پژوهی^۳ به معنی یافت وقایع در کشاکش روایت است. روایت‌پژوهی نوعی از مطالعه و بررسی است که افراد به دو دلیل از آن بهره

^۱ سوره کهف، آیه ۷

^۲ سوره صافات، آیه ۶

^۳Narration Research

می‌برند: ۱- برای تغییر وضعیت نامطلوب و رسیدن به وضعیت نسبتاً مطلوب و در نهایت بهسازی کارها در محیط شغلیشان بکار می‌برند و ۲- برای تبیین و بازگو کردن روایت‌های خود از پدیده مورد بررسی (Avison, 1999). روایت پژوهی از رویکردهای مهم در پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود که عمدتاً برای فهم عمیق دیدگاه‌های تجربی خبرگان کاربرد دارد. از روایت پژوهی برای درک عمیق افراد قرین و نزدیک در روایت رهبران استفاده می‌شود. در این رویکرد، پژوهشگر که یا به عنوان مرجع تغییر و تحول امور جاری متکی بر تجربیات مثبت یا منفی روایت شونده استفاده شده است. فرد قرین به عنوان راوی پدیده عمل می‌کند، مساله یا مشکل را شناسایی یا به ارائه آنچه از پدیده دیده است می‌پردازد. منبع کسب ایده‌های روایی غالباً صداقت در روایت است. اگر راوی پدیده را به درستی شرح دهد، روایت پژوهی به ثمر نهشته است. برای این منظور راوی، به طور دقیق اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کند و سپس به اقدام مناسب مبادرت می‌ورزد و از نتایج اقدام ارزیابی به عمل می‌آورد (عابدی احمد، ۱۳۸۶). در این پژوهش، با عنایت به قرین بودن پژوهشگر با شهید سلیمانی، می‌توان انتظار داشت که روایت او از پدیده مورد بررسی (مکتب شهید سلیمانی) نافذ باشد.

یافته‌های تحقیق:

یکی از ابعاد مکتب شهید سلیمانی، شناخت شخصیتی حاج قاسم سلیمانی و شناخت اعتقادات و روحیات معنوی او است. نباید چهره نهضتی، محوری و بین المللی حاج قاسم سلیمانی برتر از چهره عبادی و معنوی او قرار گیرد. در ادامه به اهم شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی مبتنی بر زندگی شهید پرداخته می‌شود:

۱) شناخت اعتقادات شهید سلیمانی

شخصیت معنوی، بندگی خدا، توسل به اهل بیت علیهم السلام، امام حسینی بودن و اهمیت به هیئت و روضه‌ها، قاسم سلیمانی را به این درجه و مرتبه انسانی رساند. شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه، مخلص بود و به جز ادای تکلیف برای خدا به چیز دیگری فکر نمی‌کرد. بارها دیده می‌شد که حاج قاسم به مطالب بیرونی و حرف‌هایی که بیرون زده می‌شود اهمیتی نمی‌داد و عهدش با خودش و خدای خودش را پیش می‌برد. همیشه به فکر تکلیف و وظیفه‌اش بود. و این که خدا از او چه می‌خواهد. لذا اگر



بدگویی‌هایی هم وجود داشت مسیرش خدایی بود و اعتنایی نمی‌کرد.

مشکلات برای انسان هدف‌داری که در راه خداوند متعال قدم برمی‌دارد، همواره آسان خواهند شد. و این حل شدن امور را در شهید سلیمانی به شکلی واضح می‌توان مشاهده نمود.

از اولین زمان حضور حاج قاسم در جبهه‌های نبرد دفاع مقدس تا آخرین لحظه زندگیشان هیچ‌گاه عبادت‌ها و مناجات‌های شبانه شهید سلیمانی ترک نشد. حتی در برخی از سفرهای طولانی با وجود خستگی راه نیز مناجات‌ها و نماز شب‌های ایشان ترک نمی‌شد. خداوند متعال قدرت اعجاب‌انگیزی به شهید سلیمانی اعطا کرده بود که بعد از روزها عملیات سخت در جبهه نبرد، بدون خستگی به رفع امور جاریه می‌پرداخت. شهید سلیمانی عبادت‌های شبانه‌شان را با معرفت و عشق ادا می‌کردند، و با تلاوت مناجات‌هایی همچون دعای ابو حمزه ثمالی در قنوت و سجده نماز شب، مخلصانه به درگاه پروردگار، به راز و نیاز می‌پرداختند.

اهتمام شهید سلیمانی در طول ۴۰ سال خدمتشان این بود که فضای مناجات‌ها و راز و نیازهای شبانه را به تمامی نیروهایشان تسری دهند. نمونه آن را می‌توان در بامدادان نمازخانه لشکر ۴۱ ثارالله در دفاع مقدس مشاهده کرد که شهید سلیمانی به همراه نیروهایشان به خواندن نماز شب مشغول بوده‌اند.

۲) روایتی از عملیات کربلای ۵

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای ارزیابی وضعیت نیروها در دفاع مقدس بررسی میزان ارتباط ایشان با اهل بیت علیه السلام بوده است. حاج احمد امینی فرمانده یکی از گردان‌های لشکر ثارالله قبل از عملیات کربلای ۴ درباره وضعیت نیروها در قبل از عملیات به شهید سلیمانی این‌گونه می‌فرماید که: حال بچه‌ها بسیار خوب است، نماز شب‌شان جاری است و با آمدن نام حضرت زهرا سلام الله علیها اشکشان سرازیر می‌شود.

خاصیت ویژه گردان شهید سلیمانی، اشک‌ها و نماز شب‌هایشان بوده است. نقل شده که سربازان رشید اسلام هنگام غواصی برای عبور از اروند در عملیات کربلای ۵، مشغول خواندن نماز شب بوده‌اند. حتی بسیاری از آن‌ها نیز آخرین راز و نیاز شبانه خود را داشتند و به شهادت می‌رسیدند.

۳) خاطره حضور علمای شیعیان هند در اربعین شهید سلیمانی



شخصیت شهید سلیمانی تنها مختص ایرانی‌ها نیست، بلکه ایشان به عنوان فرمانده‌ای برای تمام مظلومان عالم شناخته می‌شوند. هیئتی از علمای جامعه شیعیان هند برای عرض تسلیت به خانواده حاج قاسم در حوالی اربعین شهید سلیمانی به ایران آمدند. در جلسه‌ای که با حضور تعدادی از این علما برگزار شده بود، به طور مستمر اشکشان در رسای شهید سلیمانی جاری بود.

۴) شهید سلیمانی و انس با قرآن

قرآن همیشه همراه شهید سلیمانی بود و او در همه حال با قرآن انس داشت. حتی بعضی اوقات شهید سلیمانی دعاهایی می‌خواند که برای اطرافیان آشنا نبود، با فضاهای قرآنی خیلی مأنوس بود و کاملاً مفهوم دعاها را درک می‌کرد. تأکید داشتند که مفاهیم در جامعه به صورت غیر مستقیم بیان شود. خصوصاً دعاهای کمیل، شعبانیه، و ابو حمزه را به مسلمانان اهل سنت بگویند، تا عاشق اهل بیت بشوند.

۵) روضه در زندگی شهید سلیمانی

بعد دیگر حاج قاسم روضه بود، حاج قاسم با روضه خیلی انس داشت و به جرئت می‌توان گفت اگر حاج قاسم یک هفته می‌گذشت و روضه نمی‌شنید دلش می‌گرفت. هر بهانه‌ای را برای اشک ریختن بر اهل بیت مغتنم می‌شمرد. در یکی از خاطرات ایشان، در سفری که به عراق رفته بودند. در محل اسکان اتاق خالی‌ای و منبری وجود داشت، که حاج قاسم به ابو مهدی مهندس گفت: این منبر و اتاق خالی برای چیست؟ ابو مهدی گفت: ایام مناسبات روضه‌خوان دعوت می‌کنیم. حاج قاسم گفت: چرا مناسبات؟ اگر امکانش هست، در سه روز حضور ما در عراق مجلس روضه برپا شود، و ایشان هم شرایط را مهیا کردند. ابو مهدی مهندس هم، یکی از مداحان عرب عراقی را دعوت کرد که در تمام مدت حضور حاج قاسم، هر روز مجلس عزای مولای مظلوم آقا ابا عبد الله الحسین علیه‌السلام؛ به درخواست ایشان برپا گردید.

حاج قاسم مظهري از جمله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در خصوص امام حسین علیه السلام می‌فرماید: ای جد غریب آن قدر شب و روز برایت گریه می‌کنم که برایتان جان می‌دهم. حاج قاسم گریه‌هایش در حد جان دادن بود. و گره‌های شهید سلیمانی با توسل به امام حسین علیه السلام باز می‌شد.

۶) توسل به امام حسین علیه السلام و اهل بیت

گاهی در جلسه گروه‌های عراقی حاج قاسم بسیار اذیت می‌شدند. علت آن هم نزدیک نشدن گروه‌های عراقی بود. ایشان برخی اوقات جلسات را لغو می‌کردند و برای حل گره‌های مسائل به کربلا مشرف شده و با توسل در حرم ایشان، مشکلات را به دست امام حسین علیه السلام حل می‌کردند. گاهی اوقات نیز با حکمت خداوند متعال مشکلات حل می‌شد. اتصال معنوی شهید سلیمانی به خدا و اهل بیت منجر به باز شدن راه‌های ایشان می‌شد. در قرآن و احادیث بارها آمده که اگر شما تقوا داشته باشید خداوند متعال راه را برای شما هموار می‌کند. در حدیثی دیگر می‌فرماید: «اگر بنده‌ای تمام وجود خود را در راه من قرار دهد، تمام تدبیر امور او بر عهده من است»

۷) معنویت شهید سلیمانی

تأکید شهید سلیمانی بر انس با قرآن و برپایی جلسات روضه را می‌توان از عوامل اصلی معنویت ایشان نام برد. شهید سلیمانی تمام تلاش‌های خود را می‌کردند تا پنج‌شنبه‌ها جلسه روضه در خانه ایشان برپا شود. حتی اگر خودشان هم امکان حضور نداشتند، هماهنگی‌های لازم را برای برپایی جلسه روضه انجام می‌دادند.

۸) جایگاه والدین در مکتب شهید سلیمانی

یکی از مهم‌ترین مبانی در مکتب شهید سلیمانی توجه به مردم، پدر و مادر و صلوة ارحام بود. ایشان از هر فرصتی برای انجام ادای این عمل مهم اسلامی استفاده می‌کردند. طریقه محبت و رسیدگی شهید سلیمانی به خانواده‌شان با دیگران بسیار متفاوت بود. احوال‌پرسی تلفنی را همیشه انجام می‌دادند و از هر فرصت مناسبی برای رسیدگی به امور حضوری ایشان استفاده می‌کردند. شهید پورجعفری نقل می‌کنند در اواخر عمر شریف مادر شهید سلیمانی، روزی ایشان به عیادت مادرشان رفتند، همه را به بیرون اتاق فرستادند و خود مشغول صحبت و حلالیت‌طلبی و پابوسی با مادرشان شدند. این، عمق رابطه ایشان با مادرشان را نشان می‌دهد.

عزت حاج قاسم نیز از دعا‌های خیر پدر و مادر ایشان نشأت گرفته است. بنا بر توصیه اهل بیت و

خاطرات بزرگان، بسیاری از مقام‌ها و عزت‌ها در گرو همین خضوع در برابر پدر و مادر است. و خداوند متعال نیز عزت را در احترام به پدر و مادر قرار داده است.

۹) ارتباط ویژه شهید سلیمانی با خانواده شهید

رفتار شهید سلیمانی در برابر شهدا بسیار متواضعانه و با خشوع فراوان بوده است. خاطره‌ای از شهید حاج محمد جمالی از فرماندهان دفاع مقدس نقل شده است که ایشان برای اعزام به سوریه در مجلس بزرگداشت مادر شهید سلیمانی، به پای ایشان می‌افتد و با اشک جاری، شروع به بوسیدن پاهای حاج قاسم می‌کند و تقاضای اعزام به جبهه مقاومت سوریه را می‌کند. شهید سلیمانی نیز با دست خط خود اعزام ایشان را امضا می‌کنند و به سوریه اعزام می‌شود. پس از مدتی، شهید سلیمانی به ایشان اصرار رفتن به مرخصی می‌کند که ایشان به این شرط قبول می‌کند که خود شهید سلیمانی برای برگشت ایشان به جبهه سوریه دست خط بدهند. همین اتفاق هم می‌افتد که چند روز، پس از برگشت مجدد به سوریه به شهادت می‌رسد. پس از آوردن پیکر مطهر شهید جمالی، حاج قاسم خودشان در تشییع جنازه ایشان حاضر می‌شود و خودش پابرهنه به داخل قبر می‌رود و یکی از دوستانش را صدا می‌کند و آن شهید را در داخل قبر قرار می‌دهند و مقداری خاک جمع می‌کند و زیر سر شهید می‌گذارد و سپس صورت شهید را روی خاک می‌گذارد و خودش را روی شهید می‌اندازد و پاهای شهید را بوسه می‌زند، سینه شهید و صورت شهید را می‌بوسد و می‌گوید این به جای بوسه‌های آن روز. شهید سلیمانی در برابر شهدا و خانواده‌هایشان بسیار متواضع و خاشع بودند. هیچ یک از همراهان حاج قاسم جرأت خبر دادن شهادت یکی از سربازان یا فرماندهان را به ایشان نداشت؛ زیرا ایشان بسیار از این شهادت ناراحت و دگرگون می‌شدند.

۱۰) خشوع و تواضع شهید سلیمانی در مقابل جانبازان

رفتار ایشان در ارتباط با جانبازان نیز همین گونه بود و سعی داشتند، به رفع مشکلات و امور ایشان پردازند. یکی از کارهایی که ایشان در برنامه خود جای داده بودند، سر زدن به شهید تویبان جانباز قطع نخائی و نابینا در اصفهان بود. ایشان هر از چندگاهی به منزل ایشان می‌رفتند، شهید تویبان را به حمام می‌بردند، ناهار درست می‌کردند و به همراه شهید تویبان و خانواده‌شان به اطراف شهر برای تفریح

می رفتند و سعی در انجام تمام امور مربوط به این جانباز شهید در آن روز داشتند. و همیشه از ایشان طلب حلالیت می کردند.

ایشان همواره با شهدا و رزمندگان و جانبازان مأنوس بود؛ اگر جانبازی کاری از حاج قاسم می خواست ایشان حتماً او را پیدا می کرد و مشککش را حل می کرد.

۱۱) نقش شهید سلیمانی در صحنه مقاومت بین الملل

از ابن ابی الحدید جمله ای نقل شده که امام علی علیه السلام در توصیف مالک اشتر می فرماید: «ای کاش من دو یار یا یک یار مثل مالک داشتم که با همان نگاهی که من دشمنم را می شناسم او هم با همان نگاه بشناسد.» امام علی علیه السلام برترین صفت مالک اشتر را بصیرت در شناخت دشمن می دانند. حاج قاسم را می توان مصداق تمام این بیان گهربار دانست. ایشان به خوبی و با بصیرت بالا دشمن ولایت یعنی امریکا را می شناخت و با تمام وجود در مقابل آن ایستادگی می کرد.

ایشان در برابر برخی از مجاهدان عراقی که دیدگاه های درباره همکاری با امریکا برای از میان برداشتن صدام داشتند را به شدت محکوم می کردند و برخورد شدیدی با ایشان داشتند. و همواره این اصل را مطرح می کردند که هیچ یک از دوستان ما نباید با امریکا همکاری کند.

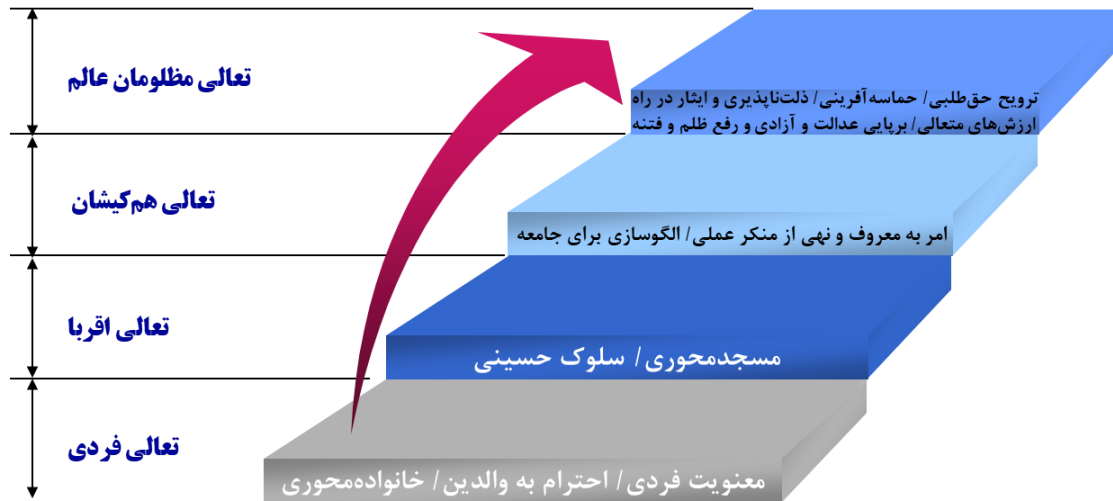
حاج قاسم از ابتدای اشغال عراق توسط امریکا به هیچ کس از اطرافیان خودش اجازه نداد که با امریکا همراه شود و اگر کسی هم همراه می شد سریعاً او را طرد می کرد. ایشان تمامی تلاششان را در محور مقاومت می کردند تا بتوانند، امریکا را به ذلت بکشانند.

جمع بندی و نتیجه گیری:

مؤلفه های فرهنگی - اجتماعی مکتب شهید سلیمانی تابعی از تعالیم دینی تماماً مقدس و والا است و در چارچوب های تنگ تفسیرهای مادی نمی گنجد. به طور خلاصه می توان مؤلفه های فرهنگی - اجتماعی مکتب شهید سلیمانی را این گونه بر شمرد:

- رشد و رسیدن به جاودانگی.
- معامله سودمند با خدا (قربانی کردن زندگی در برابر بهشت).
- خدا و رسولان و اطاعت از اولین فرمان.

- کمک به بهره‌برداران و برقراری عدالت و آزادی و پایان دادن به ظلم و خیانت.
- رسیدن به جایگاه والای شهادت، که بهترین است.
- تطهیر روح و آموزش گناهان و دیدن چهره خدا و حضور در جلسه خدا و تقرب به خدا.
- بدی‌ها را طرد کنید و جلوی بدی‌ها را بگیرید و سنت‌های الهی را احیا و گسترش دهید و آزمایش الهی و شکست‌ناپذیری و از خود گذشتگی را در راه ارزش‌های خارق العاده بپذیرید.
- الگوسازی برای جامعه از طریق حماسه‌سازی و احساسات و عواطف تحریک‌آمیز برای ارتقای حقوق اجتماعی و مسئولیت اجتماعی و حساسیت نسبت به سرنوشت جامعه.
- ورود خون تازه به بدنه جامعه و تقویت روحیه انقلابی در بین مردم.
- انتخاب بهترین و هنری‌ترین نوع مرگ.
- حضور در صحنه جهاد فی سبیل الله به عنوان بستر شهادت و انجام وظیفه.
- راه سلوک معنوی و راهی که به آخرین و بالاترین مراحل عرفان و تباهی در نزد خدا و شواهد عشق واقعی به معشوق می‌رسد.



شکل: تعالی شاخص‌های فرهنگی-اجتماعی در مکتب شهید سلیمانی

منابع و مآخذ:

- Avison, D. E. (۱۹۹۹). *Communications of the ACM*. Action research. (۱)۴۲, ۹۴-۹۷.
- Deci, E. L. (۲۰۱۰). *The corsini encyclopedia of Intrinsic motivation*. psychology.
- Hodges, S. (۲۰۰۲). *Mental health, depression, and dimensions of spirituality and religion*. *Journal of Adult Development*, ۹(۲), ۱۰۹-۱۱۵.
- Ingram, R. E. (۱۹۹۰). *Cognitive behavior therapy*. *In International handbook of behavior modification and therapy*, ۵۳-۶۵.
- Mathes, E. W. (۱۹۸۱). *Maslow's hierarchy of needs as a guide for living*. *Journal of Humanistic Psychology*, ۲۱(۴), ۶۹-۷۲.
- ابراهیمی دهشیری، م.، آهنچیان، م.، غفاری، ا.، & مسعودی، ج. (۱۳۹۲). رویکرد ساختارگرایی و پساساختارگرایی در مواجهه با فرهنگ و نسبت آن با تعلیم و تربیت. *چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران*.
- افراسیاب پورو، ع. (۱۳۸۷). زیبایی از دیدگاه ملاصدرا. *خردنامه صدرا*، ۵۱، ۹۱-۱۰۷.
- باقری، خ. (۱۳۸۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- بیرانوند، ن.، غیجی، م.، & کریمی، ر. (بدون تاریخ). *جهاد و شهادت طلبی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری*. ۱۳۹۵.
- حسن زاده، ص. (۱۳۹۲). *عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی*. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۴(۱۵)، ۴۵-۶۸.
- رضوانی، ع. (۱۳۶۲). *فلسفه شهادت*. هجرت قم.
- سیف، ع. (۱۳۸۶). *غیر رفتار و رفتاردرمانی: نظریه‌ها و روشها*. تهران: انتشارات دوران.
- شریف‌زاده، ح. (۱۳۸۷). (ش. سهرابی، تدوین) *خرم آباد: افلاک*.
- شمشیری، ب. (۱۳۸۴). *فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی*. *پژوهش‌های آموزش*

و یادگیری، ۳(۱)، ۷۴-۸۹.

- عابدی احمد، ش. ع. (۱۳۸۶). روش شناسی اقدام پژوهی و کاربرد آن در پژوهش های علوم رفتاری. روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ۱۳(۵۱)، ۷۱-۸۹.
- کریمی، ع. (۱۳۸۱). تربیت دینی. تهران: انتشارات قدیانی.
- مطهری، م. (۱۳۷۳). فطرت. تهران: صدرا.
- مظلومی، ر. (۱۳۶۶). گامی در مسیر تربیت اسلامی. تهران: نشر آفاق.
- میری، م. (۱۳۹۲). منابع فرهنگ متعالی از منظر قرآن کریم. ۴(۱۲)، ۳۵-۶۸.
- هاشم نژاد، ح. و نعمتی، س. ج. (۱۳۹۱). زیبایی شناسی در فلسفه صدرالمآلهین. فلسفه، ۳۹(۲)، ۱۳۷-۱۶۲.